

**نیروهای مذهبی
بر بستر حرکت نهضت ملی**

علی رهنما



صندوق پستی: ۸۹۴-۱۱۳۶۵، تلفن: ۷۵۲۹۹۰۷

نویسنده: علی، رحمتا

● طرح روی جلد: حسن کریمزادہ ● ناظر چاپ: خالق

شابک: x-44-۷۳۸۷-۹۶۴-ISBN 964-7387-44-x

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است Printed In Iran

رهنما، علی، ۱۳۳۱۔

نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی / علی رهنما. - تهران: گام نو،

STAT

ISBN 964-7387-44-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتابنامہ

۱. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- جنبشهای اسلامی، ۲. ایران -- تاریخ --

– پهلوی، ۱۳۲۰ – ۱۳۵۷ – جنبشها و قیامها، ۳. نفت – ایران – صنعت و تجارت –

ملی شدن. ۴. ایران، -- سیاست و حکومت -- ۱۳۲۰-۱۳۵۷. الف. عنوان.

900/-A4Y-40

DSR ۱۵۳۰ / ۹ ن ۹

AT-TV-6

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار
۷.....	فصل اول: زمینه‌های تاریخی و نظری
۷.....	۱۳۲۴، سالی نه چندان عادی
۱۲.....	زیرنظام‌های شیعی
۱۷.....	منابع و مآخذ:
۱۸.....	فصل دوم: دو مجتهد
۱۸.....	مرجعیت مطلق آیت‌الله بروجردی و رهبری مذهبی - سیاسی آیت‌الله کاشانی
۳۰.....	منابع و مآخذ:
۳۱.....	فصل سوم: ائتلاف آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی
۳۷.....	اتحاد عمل محور کاشانی - نواب صفوی بر علیه هژیر در خرداد ۱۳۲۷
۴۹.....	منابع و مآخذ:
۵۴.....	فصل چهارم: حمله به آیت‌الله بروجردی
۶۵.....	منابع و مآخذ:
۶۶.....	فصل پنجم: آیت‌الله بروجردی موضع می‌گیرد
۷۳.....	تفاوت‌ها عمیق‌تر، حادثه و عریان‌تر می‌شوند
۷۸.....	منابع و مآخذ:
۸۰.....	فصل ششم: چالش قدرت مذهبی در قم

۸۰	تغییر خط مرجعیت
۸۲	کودتای خزنده یا انقلاب در قم
۸۸	چراغ سبز آیت الله بروجردی و بازگشت آرامش به قم
۹۶	منابع و مأخذ:
۱۰۰	فصل هفتم: همکنشی محور کاشانی - نواب صفوی با نهضت ملی
۱۰۰	شکل گیری محور جلاید ملی - مذهبی
۱۰۳	مجلس مؤسسان و دو برخورد: کاشانی و بروجردی
۱۰۵	کاشانی به تشکیلات خود حکم همکاری با ملیون را می دهد
۱۱۰	شکل گیری جبهه ملی
۱۱۵	انتخابات ناکام زمستان تهران
۱۱۸	ترور هژیر
۱۲۴	تجدید قوا جهت کسب کرسی های تهران
۱۲۹	منابع و مأخذ:
۱۳۶	فصل هشتم: آیت الله کاشانی به خانه می آید
۱۳۶	تدارک برای بازگشت کاشانی
۱۴۱	کاشانی در تهران
۱۴۴	ملاقاتی مملو از ناگفته ها: کاشانی و بروجردی
۱۴۶	آنچه کاشانی بیانید شد مصدق بر زبان جاری کند
۱۴۹	منابع و مأخذ:
۱۵۳	فصل نهم: نخست وزیری سپهبد حاج علی رزم آرا
۱۵۸	صحنه نبرد: پارلمان
۱۶۱	صحنه نبرد: مطبوعات
۱۶۴	صحنه نبرد: چاپخانه
۱۶۹	صحنه نبرد: کمیسیون مخصوص نفت
۱۷۴	صحنه نبرد: اعلامیه ها و تظاهرات
۱۸۵	نبرد آخر: تهدید و قتل

۱۹۰	منابع و مأخذ:
۱۹۸	فصل دهم: فروپاشی محور کاشانی - نواب صفوی
۱۹۸	ترور رزم آرا
۲۰۹	فدائیان اسلام: کنار گذارده می شوند
۲۲۲	منابع و مأخذ:
۲۲۸	فصل یازدهم: جنگ تمام عیار متحدین سابق
۲۳۳	جنگ قلمی و روانی
۲۴۲	فدائیان اسلام: در صدد قتل مصدق؟
۲۵۱	جنگ اخلاقی: نواب صفوی، کاشانی و مصدق را به محاکمه دعوت می کند
۲۵۵	دلیل یا بهانه جنگ: رابطه بهرام شاهرخ با "فدائیان اسلام"
۲۶۴	منابع و مأخذ:
۲۷۱	فصل دوازدهم: "فدائیان اسلام" در بند
۲۷۴	دستگیری نواب صفوی
۲۸۲	موج اول پذیرایی از "فدائیان اسلام" در زندان
۲۸۵	دولت مصدق و زندانیان فدائیان
۲۸۶	موج دوم بازداشت فدائیان
۲۹۶	با آشتی طلبی گره ها باز می شوند
۳۰۳	منابع و مأخذ:
۳۱۱	فصل سیزدهم: سیاست و رهبری دوگانه
۳۱۹	زندان قصر در تصرف فدائیان اسلام
۳۲۴	چانه زنی و تهدید
۳۲۸	پایان تحصن - تصرف
۳۳۳	تبعات شکست طرح تصرف زندان قصر
۳۴۰	مدافعین جدید سیاسی و مطبوعاتی فدائیان
۳۴۵	منابع و مأخذ:
۳۵۲	فصل چهاردهم: ترور فاطمی

۳۵۳	چرا فاطمی؟
۳۶۳	اختلاف در میان فدائیان
۳۷۱	منابع و مأخذ:
۳۷۴	فصل پانزدهم: یک جمعیت، دو رویکرد
۳۷۹	آشفته‌گی در انتخاب وسیله برای آزادی
۳۸۹	"نبرد ملت"، ارگان کژام فدائیان
۳۹۵	منابع و مأخذ:
۴۰۰	فصل شانزدهم: آزادی و آرامش
۴۰۳	آزادی خلیل طهماسبی
۴۱۳	آزادی نواب صفوی
۴۲۱	خط قهر و اعتزال از سیاست
۴۲۸	بازگشت به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی
۴۳۳	منابع و مأخذ:
۴۴۰	فصل هفدهم: فروپاشی از درون
۴۴۱	فعل و انفعالات پیچیده درون جمعیت
۴۶۱	چرایی خروج واحدی
۴۷۲	فدائیان در سه ماهه آخر نهضت ملی
۴۷۵	منابع و مأخذ:
۴۸۱	فصل هجدهم: کاشانی و گفتمان‌های سیال
۴۸۱	چرخه مخالفت - اقتدار - مخالفت
۴۹۸	مصرف مسکرات در فراز و نشیب سیاست
۴۹۹	دور اول لایحه مسکرات
۵۰۲	دور دوم لایحه مسکرات
۵۰۶	تغییر گفتمان کاشانی
۵۰۹	لایحه انتخابات و رأی بانوان
۵۱۱	موضع مجمل دولت و عکس‌العمل به آن

منابع و مأخذ:	۶۴۶
فصل بیست و چهارم: صلح موقت کاشانی و مصدق، محور به زور سر پاست	۶۵۰
بررسی صلاحیت‌های دوره هفدهم یا سرشکستگی دموکراسی ایرانی	۶۵۵
مجلس هفدهم، عنان به مصدق نمی دهد	۶۶۲
پانک مصدق	۶۶۷
منابع و مأخذ:	۶۷۵
فصل بیست و پنجم: نخست‌وزیری مستعجل قوام	۶۸۰
پشت پرده ۳۰ تیر	۶۹۱
منابع و مأخذ:	۶۹۸
فصل بیست و ششم: احساس بیگانگی در محور مصدق - کاشانی	۷۰۲
مداخلات کاشانی	۷۰۶
نوطنه کردتای مهر ۱۳۳۱	۷۱۱
منابع و مأخذ:	۷۲۵
فصل بیست و هفتم: جدال بر سر نایب‌التولیه آستانه قم	۷۳۰
جریان عزل تولیت	۷۳۶
پشت پرده جریان تولیت - مشکوت	۷۴۳
منابع و مأخذ:	۷۵۵
فصل بیست و هشتم: قم در تب و تاب ماجرای روحانی سرخ	۷۶۰
آیت‌الله کاشانی و "حزب توده"	۷۶۱
کنگره مردمی صلح در وین	۷۶۹
خشونت در قم به دنبال صلح‌طلبی در وین	۷۷۳
عکس‌العمل به وقایع قم	۷۷۶
علل وقایع	۷۸۰
کارگردانان ماجرای برقی	۷۸۳
منابع و مأخذ:	۷۹۸
فصل بیست و نهم: چگونه قمر در عقرب شد	۸۰۷

۸۱۰	 جمعیت نهضت شرق
۸۱۲	 طرحی جهت مهار مصدق
۸۱۴	 لایحه تمدید اختیارات مصدق
۸۱۷	 کاشانی موضع می گیرد
۸۱۹	 نبرد بر سر اختیارات
۸۲۵	 تبعات رودر رویی
۸۳۶	 منابع و مأخذ
۸۴۲	 فصل سی ام: تراژدی کاشانی: همسویی نامتجانس در ائتلاف بزرگ ضد مصدق
۸۴۵	 گله مصدق از شاه و تبعات آن
۸۵۴	 ۹ اسفند، ظاهر و باطن
۸۶۷	 فردای ۹ اسفند
۸۸۱	 منابع و مأخذ
۸۹۰	 فصل سی و یکم: بیم و امید در پایان سال ۱۳۴۱
۸۹۲	 هیئت ۸ نفره حل اختلافات
۸۹۹	 مواضع شفاف می شوند
۹۰۴	 حصر اقتصادی شکسته می شود
۹۰۷	 بروجردی و ۹ اسفند
۹۱۳	 آرایش نیروها
۹۱۶	 منابع و مأخذ
۹۲۰	 فصل سی و دوم: تغییر حکومت
۹۲۱	 چه کسی جانشین مصدق شود؟
۹۳۰	 چگونه باید مصدق را روانه کرد
۹۳۰	 بحران آفرینی در مجلس
۹۴۲	 مخالفین نیرو ذخیره می کنند
۹۴۵	 غانله در شهرستانها
۹۴۸	 آدم ربایی و قتل

۹۵۶	منابع و مأخذ:
۹۶۴	فصل سی و سوم: سه راهی مشروطه، جمهوری و استبداد
۹۶۸	تظاهرات ۳۰ تیر اخم‌های بسیاری را در هم می‌کشد
۹۷۳	شاه و مصدق
۹۸۰	کودتای "مسخره" اول
۹۸۵	کودتای موفق
۹۹۸	منابع و مأخذ:
۱۰۰۶	فصل سی و چهارم: پرده آخر هر کس کجا ایستاده بود
۱۰۰۹	آیت‌الله کاشانی
۱۰۲۵	آیت‌الله بروجردی
۱۰۴۶	نواب صفوی
۱۰۵۵	در آخر
۱۰۵۸	منابع و مأخذ:
۱۰۶۶	کتابنامه
۱۰۷۱	فهرست جراید
۱۰۷۲	نمایه نام‌ها
۱۰۹۰	فهرست مطالب

پیشگفتار

مطالعه‌ای که در پیش دارید به دنبال ارائه تصویری سه بُعدی از مقطع تاریخی ۱۳۲۸ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. این برهه تاریخی عموماً به عنوان سال‌های نهضت ملی شدن نفت و پیامدهای آن شهرت یافته است. درباره این دوران سرنوشت‌ساز، تحقیقات مفید و پرباری چه در ایران و چه در خارج از کشور انجام گرفته است. اگر چه هنوز جا، برای تحقیقات موردی بسیار است، اما مورخین گرانسنگ حق مطلب را در حوزه کلان این موضوع بیان کرده‌اند. این نوشته، از نهضت ملی به عنوان زمینه و متن مطالعه استفاده کرده و به این دوران از میان منشور یا از پشت عدسی فعالیت و موضع‌گیری نیروهای مذهبی شاخص این دوران نگاه می‌کند. در این مطالعه تأکید بر ذهنیت و عملکرد نیروهای مذهبی، موفقیت‌ها و شکست‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، فرازاها و نشیب‌ها و موضع‌گیری‌ها و تجدیدنظرهای آنها، در روند تکاپوی مردم ایران جهت استیفای حقوق اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی، است.

هم‌وغم این تحقیق، تعریف و کسب آگاهی در مورد کنش، عملکرد و تحولات درونی سه نحله و نیروی شاخص مذهبی این دوره تاریخی، رابطه هر یک از این نحله‌ها با یکدیگر و تأثیر هر یک بر زمینه مطالعه ما، یعنی نهضت ملی است. مقصود، تبیین نقش و تأثیر هر یک از این نحله‌ها در شکل‌گیری وقایع و روند تاریخی این دوران است. به دنبال روشن کردن این مطلب هستیم که چگونه تفکر، موضع‌گیری و عملکرد هر یک از نیروهای مذهبی به حصول اهداف نهضت ملی مدد رسانیدند و یا از پیشرفت آن ممانعت کردند. شاید بتوان پاسخی برای این پرسش یافت که این نیروهای مذهبی از نظر بیش و روش تا چه حد با یکدیگر و با نهضت ملی و مصدق متجانس، همشکل و همسر بودند؟ آیا در مواقعی از یکدیگر تأثیر می‌پذیرفتند؟ این تأثیرپذیری چگونه در

کنش ایشان متجلی می‌گردید؟ البته در اینجا با مسئله دیگری نیز مواجه خواهیم شد. آیا چارچوب نظری، سمت‌گیری ایدئولوژیک، اهداف و برنامه‌های این نیروها و نیز ریز و درشت پروژه نهضت ملی یا جبهه ملی بر تمامی بازیگران خودی غیرمکشوف و مشخص بود؟ آیا ضرورت و مصلحت معطوف به قدرت تعیین‌کننده و مولفه ائتلاف، انشعاب و صف‌بندی‌های سیاسی این دوران بود یا قرابت‌های ایدئولوژیک و کرداری؟ بر سر هر دوراهی و انتخاب سیاسی، عامل تعیین‌کننده سیاست مأخوذه، موضع‌گیری مبتنی بر مکتب بود یا تصمیم فردی رهبران این نیروها بر اساس الگوی رفتاری ایشان؟ شاید نتوان به تمامی این پرسش‌ها پاسخی دقیق و کامل داد، اما امید است با پرداختن و طرح بجای این مطالب بخشی از حقیقت تاریخی روشن‌تر شود.

گاه مشکل می‌توان نهضت ملی را از شخص دکتر محمد مصدق و موضع‌گیری‌های او در مقاطع مختلف جدا و تفکیک کرد. از پائیز سال ۱۳۳۱ میان برخی از شخصیت‌ها و نیروهای شاخص نهضت ملی و مصدق رفته‌رفته فاصله افتاد. ایشان در مقابل سیاست‌های مصدق موضع گرفتند، عملکرد او را شدیداً زیر سؤال بردند و نهایتاً به مبارزه با او برخاستند. رویارویی متحدین سابق با مصدق زمانی روی داد که مسئله نفت هنوز حل نشده بود و ایران قادر به صدور آنچه ملی کرده بود، نبود. اگر چه می‌توان استدلال کرد که مقابله با دکتر مصدق در این مقطع زمانی به منزله رویارویی با نهضت ملی بود، اما مخالفین دکتر مصدق نیز می‌توانند ادعا کنند که این مصدق‌السلطنه بود که منحرف شد و نهضت ملی را به گروگان گرفته و به کژراهه برد. همان‌گونه که آیت‌الله کاشانی کراراً در مقابل درخواست‌ها و پافشاری‌های مشخص مذهبی نواب‌صفوی، اجرا و انجام انتظارات او را به زمانی پس از حل مسئله نفت موکول می‌کرد و بدین ترتیب عنوان نمودن هر طرح یا برنامه‌ای را، بدون توجه به اهمیت آن، تا سامان یافتن مسئله نفت جایز نمی‌دانست. همین منطق را نیز می‌توان در مورد عیب‌جویان و مخالفینی که از پائیز ۱۳۳۱ به مقابله با سیاست داخلی مصدق برخاستند به کار برد. جهت اجتناب از مسائلی که ممکن است یکسان‌انگاشتن نهضت ملی و مصدق، پس از پائیز ۱۳۳۱ بوجود آورد، در این دوران مشخصاً رابطه میان نیروهای مذهبی و مصدق تجزیه و تحلیل می‌شود.

بعد اول این مطالعه، به طرح و ارائه وقایع سیاسی عمده این دوران می‌پردازد. بعد دوم این تحقیق، معطوف به شناخت و تجزیه و تحلیل سهم قوه محرکه مذهبی این وقایع است. تمرکز این بخش بر تعامل و روابط متقابل هر یک از این نحله‌های عمده مذهبی است. این نوشته

نشان خواهد داد که رقابت و هم‌آوردی میان نیروهای مذهبی بر سر بینش و روش متفاوت هر یک از حوالی سال ۱۳۲۷ وارد مرحله حساس و تنش‌زده‌ای می‌شود که تا آخر حکومت مصدق ادامه می‌یابد. جهت آشنایی با دلایل بروز اختلافات در سال ۱۳۲۷ ناگزیر باید به سال ۱۳۲۴ که زمینه‌ساز این اختلافات است نظری افکند. در فرایند روابط متقابل میان نیروهای مذهبی در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ جا و صف متحدین و معاندین دچار تغییر و تحول می‌شود. دوستان نزدیک و هم‌پیمانان یکرنگ سابق دشمنان جدید یکدیگر می‌شوند. دشمنان سابق طرح دوستی می‌ریزند و نیروهایی که دشمنی می‌ورزیدند دست برادری به‌سوی آنها که در حقشان جفا کرده بودند دراز کرده و استمداد می‌طلبند. در سال‌های میانی دهه ۱۳۲۰ بی‌ثباتی سیاسی و نبود یک مرکزیت مقتدر و جافتاده مذهبی که بخواهد یا بتواند یک طرز فکر و شیوه عمل مذهبی - سیاسی یکدست و فراگیر را غالب کند، فضایی مستعد برای رشد و عرض اندام نحله‌های سیاسی - مذهبی جابگزین یا آلترناتیو بوجود آورد. نهضت ملی شدن نفت، فرصتی ضلایی برای آن دسته از نیروهای مذهبی - سیاسی بوجود آورد که از طریق همسویی با نهضتی سیاسی - اجتماعی، منویات و اهداف مذهبی - سیاسی خود را بر جامعه عرضه و گاه تحمیل کنند و با کوشش در کنترل این موج آن را به سرمنزل نظام مذهبی - سیاسی مورد نظرشان رهنمون سازند.

اینجاست که محور سوم این مطالعه شکل می‌گیرد. نهضت ملی به هر یک از این نیروهای مذهبی فرصت داد تا در متن آن و در رقابت با دیگر نحله‌های مذهبی به تبلیغ و تبیین پروژه خود بپردازند. در بعد سوم که عرصه تعامل میان نیروهای مذهبی و نهضت ملی و مصدق است به نوسانات در موضع‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی هر یک از این نیروها در رابطه با نهضت ملی و مصدق در مقاطع مختلف تاریخی، اشاره خواهد شد. مقصود این است که روشن شود کدام یک از این نیروها و با چه انگیزه‌هایی در کدام مقطع تاریخی به حرکت نهضت ملی شتاب بخشیدند؛ در دفاع از آن یا مصدق خود را سپر بلا کردند و بالاخره از مصدق فاصله گرفتند و او را به چالش طلبیدند.

این مطالعه به دنبال نگارش تاریخ تحول و تعامل نیروهای مذهبی از اواخر دهه ۱۳۲۰ تا اوایل دهه ۱۳۳۰ به روی بستر تاریخ نهضت ملی است. اگر چه متن رویدادهای نهضت ملی بی‌رنگ و محو نمی‌شود، اما تأکید بر کنش و واکنش نیروهای مذهبی است. در مورد شخصیت‌های کلیدی و

شاخص نیروهای مذهبی کلیاتی غالباً یکرنگ و یکدست و قالبی گفته و نوشته شده است. امید است که با طرح موارد و مصادیق مشخص و نیز حلاجی فرضیات محتمل و منطقی بتوان سرگذشت و قصه این شخصیت‌ها و نیروهای تحت کنترل‌شان را ترسیم و توصیف کرد. شاید بتوان دوستی و دشمنی، هم‌پیمانی و پیمان‌شکنی و نیز تولی و تبری این نیروهایی که آئین و مذهبی مشترک داشتند را در برخورد با مسائل سیاسی و شخصی، توضیح داد.

غوطه‌ور شدن در ورطه جانب‌داری در مطالعه‌ای تطبیقی کار مشکلی نیست. مطالعه دوران، افراد و نظریات، محقق را گاه به میان میدان درگیری‌ها و بحث‌ها می‌کشانند، گویی که در زمان حرکت کرده و خود بازیگر غیرفعال است. آنگاه که انسان در مقابل چند نوع انتخاب متفاوت قرار می‌گیرد، اگر نتواند بر مبنای محدودیت‌ها، مفروضات و خفیات خویش هر یک را رتبه‌بندی کرده و نهایتاً انتخابی بپیماید یا باید او را عاری از قدرت انتخاب و یا روان‌پریش دانست. محقق هم از این قاعده مستثنی نیست. در هر قدم تحقیق، فکر و نظری بر مبنای داده‌های جدید شکل می‌گیرد که تصویر قبل را تشدید می‌کند، تعدیل می‌کند یا کاملاً تغییر می‌دهد. یا همچنین می‌تواند نابهنجاری در روندی عمومی به حساب آید که باید قید شود، که ثبت این دست‌انداها و گونه‌گونی‌ها مهم هستند و آموزنده. اما عدم جانب‌داری محقق، به این معنی نیست که در مقطعی از تحقیق، او یک روش و کشش، یک فرد و سازمان یا یک گفتمان و جهان‌بینی را، نزد خود، ارجح و پسندیده‌تر نداند. چرا که احتراز از این گونه رتبه‌بندی‌ها، برای انسان و نویسنده صاحب تمیز محال است. بلکه، عدم جانب‌داری، کوشش در انصاف و عدالت بازگو نمودن خوب و بد هر موضوع، به‌زعم نویسنده و رتبه‌بندی ارجحیت‌ها و اولویت‌های اوست. محقق جانبدار کسی است که اگر در تحقیقات خود به داده‌ای برخورد کند که یکی از خطوط اصلی یا فرعی بحث او را، درباره‌ی مطلب مورد تحقیقش، از آنچه او تصور کرده بود و به زحمت به آن منطق و ضبط و ربطی داده بود، اساساً تغییر دهد و ناگاه تصویر یا پیش‌فرض‌های او را زیرورو کند. نادیده انگارد، زیبایی تحقیق آزادانه آن است که بالاخره یک روز محقق که گرفتاری، قید یا ضیق اطلاعاتی محقق قبل را ندارد، آن داده را پیدا می‌کند. مضرع می‌کند و پنجره‌ای جدید به روی واقعیت و انصاف می‌گشاید. حتی جانب‌داری در تحقیق با تبلیغ متفاوت است. چرا که تبلیغ‌گر نه فقط مطالب را طبق اولویت و ارجحیت خود گزینش می‌کند و آنچه اولویت‌هایش را تهدید می‌کند حذف کرده و نادیده می‌گیرد، بلکه برای بزرگنمایی موضوع مورد حمایتش، دست به جعل و سندسازی می‌زند. ما را در اینجا با تبلیغ‌گرها،

که سوال و کنجکاوای خوره روح و جسمشان نیست کاری نیست، چرا که جز فعل قلم به کاغذ بردن، چون بسیاری از مشترکات ابتدایی مخلوقات با آنها وجه اشتراکی نداریم.

انصاف در طرح هر آنچه محقق به آن برخورد می‌کند و در توصیف و تجزیه و تحلیل موضوع مورد تحقیقش موثر و مهم است، می‌تواند بدون اینکه مقصود محقق چنین باشد به سنت‌شکنی و شالوده‌شکنی بیانجامد. این نوشته به هیچ وجه برای کسانی که می‌خواهند دیدگاهی گسترده و همه جانبه در مورد تاریخ نهفت ملی یا تاریخ سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۲ به دست آورند، نیست. خوشبختانه برای آنها که می‌خواهند مطالبی جامع در مورد این مقطع تاریخی بخوانند، آثار بازیگران مستقیم آن دوران چون کتاب‌های مکی و امیرعلانی، خاطرات زیرک‌زاده و مصدق و دیگر منابع اولیه چون مذاکرات مجلس، روزنامه‌های این دوران، مجموعه‌هایی که محمد ترکمان، م. دهنوی و برخی مؤسسات تحقیقاتی دیگر گردآوری کرده‌اند، به همراه آثار ثانوی محققانه و ماندنی چون نوشته‌های محمدعلی موحد، محمدعلی سفری، انور خامه‌ای، غلامرضا نجاتی، همایون کاتوزیان، اروند ابراهامیان، شاهرخ اخوی، ریچارد کانم، فخرالدین عظیمی، و دیگر آثار ارزشمندی که از این قلم سهواً افتاده‌اند، وجود دارد که راهنمای علاقمندان باشد.

این کتاب متنی نیست که نوآموزی از ورای آن تاریخ نهفت ملی شدن نفت را فرا بگیرد، چرا که منظور و تأکید اصلی‌اش اصلاً این نیست و خطابش با آنهاست که هم اکنون در رابطه با این دوران صاحب موضع‌اند. این نوشته با آنها که اشرافی بر وقایع آن دوران دارند دردودی دارد و بس. پیشاپیش از آن دسته که دردها و تحلیل دردها که در این نوشته آمده است را می‌دانند و چیزی بر نگرش و اطلاعات ایشان افزوده نمی‌شود، پوزش می‌طلبم. اما اگر نکته تازه‌ای یافتند یا به فکر افتادند و این نوشته فتح بابی شد برای تحقیق بیشتر و کنکاش، هدف این نوشتار محقق شده است. اگر علی‌رغم کوشش این نوشته، که تفاسیر و فرضیات بر مبنای ادله باشند، برخی برنجند و عصبانی شوند، امید است که خشم ایشان برای خود ایشان مولد و روشنگر بوده و دریابند که قصد این نوشتار به چالش کشیدن دیدگاه دوگانی در فهم رویدادهای اجتماعی و سیاسی است که انسانها بازیگران اصلی آن می‌باشند.

این نوشته برای آنهاست که با بینش دوگانی (binary)، تکلیف‌توریک و احساسی خود را با وقایع و علل نهفت ملی شدن نفت، عواقب آن و مسائلی که در حول و حوش آن جریان داشت جل کرده‌اند و تصور می‌کنند یا قطع دارند که می‌دانند که حقیقت کدام است، خادم کیست و

خانن کدام است. به عبارت دیگر باور دارند که در سیاست آن دوران سره را از ناسره تشخیص داده‌اند و میزان خیر و شر نیروهای دخیل در این نهضت را می‌دانند. مخاطب این نوشته، نسلی است که وقتی به "خوب" و "خیری" دل می‌بست، حوصله تصور پوششی که ممکن بود در قاموس او به قامت دلبر آراسته نباشد، را نداشت. و وقتی به "بد" و "شری" مومن می‌شد، تحمل نیم‌نگاهی به "خوبی‌های" عدو را نداشت. که بد توان ذره‌ای نیکی ندارد. این نوشته برای نسلی یکدنده، اما گاه دوست‌داشتنی و گاه روح‌آزار است که یا زنگی زنگ‌اند و یا رومی روم. اگر خاضعانه و محتاطانه کوچک‌ترین عیب دلبر را به یادشان بیاوری، در بهترین حالت می‌رنجند و قهر می‌کنند که تو نبودی نابینی که شرایط چگونه بود. در بدترین حالت، متهم می‌شوی که آلوده کردن قدیس کار قلم به مزدان است و آب به آسیاب دشمن ریختن. دل چرکین از اسطوره‌شکنی، خطابت می‌کنند که مگر ما در این تاریخ معاصر و انفسا چند چهره درخشان و مورد تأیید همگان داریم که حال باید به نقد آنها پرداخت. راست می‌گویند، نبودیم که بینیم، ولی چه می‌توان کرد که انسان ابدی نیست که تمام تاریخ را خود تجربه کند، که اگر هم بود، لزوماً تاریخ‌نگاری منصفانه چنین محققی، انتظارات خلص و ناب ایشان را که کوچک‌ترین عیب معبود و محبوب را بر نمی‌تابند، برآورده نمی‌کرد. نسل دوگانی مخاطب این نوشته محتوم به انقراض است. اگر برای ایشان قسمت‌هایی از این نوشته ملال‌آور است، امید است که برای فرزندان و نوادگان غیر دوگانی آنان کمتر ملال‌آور باشد. این قلم بر این باور است که نام و اسطوره مصدق و همراهانش، به‌عنوان افرادی که کوشیدند فکر آزادی و دموکراسی و صدا دادن به مردمی که همواره تحقیر می‌شدند را در سطح جامعه زنده کنند و به آن عمل کنند، همواره در تاریخ ایران، چون بارقه امید، برجوا خواهد ماند. آنها که این کوشش را خفه کردند، امید مردم را ربودند و صدای‌شان را بریدند.

نوشته‌ای که در پیش دارید قصد ندارد گردی بر ساحت محترم معتمدان مردم آن دوران بپاشد، اما کوشیده است آنچه را که یافته، در تصویر بزرگ این دوره بگنجاند. آنجا که توانسته صحت و سقم روایات را محک زده و آنجا که امکان حقیقت‌یابی نبوده، چرا که یک طرف روایت کرده و طرف دیگر سکوت، روایات با احتیاط عنوان شده‌اند. این نوشته پُر از فرضیه است، چرا که محکومات و قطعیات در چراها و حتی در مورد رویدادهای تاریخی آنچنان مسلم نیست. خلاصه اینکه این نیز روایتی است از تاریخ این دوران، با تمرکز بر دیدگاه نیروهای مذهبی. نوشته‌ای با همه کاستی‌ها و نواقصش، علی‌رغم کوشش در به حداقل رساندن آنها!